

■ سال بیست و هفتم ■ شماره ۷۵۹۶ ■ سه شنبه ■ ۱۷ فروردین ۱۴۰۰

ایران

صاحب امتیاز: خیرگزاری جمهوری اسلامی
مدیرمسئول: مهدی شفیعی
سرمدیر: جواد دلیری

آذان ظهر ۱۳/۰۷ | آذان مغرب ۱۹/۴۸ | نیمه شب شرعی ۰۰/۲۳ | آذان صبح فردا ۵/۱۶ | طلوع آفتاب فردا ۶/۴۳

امام حسین(ع): پنج چیز است که درهرکسی نباشد، خیر زیادی در او نیست: عقل، دین، ادب، حیا و خوش خویی.

سخن روز

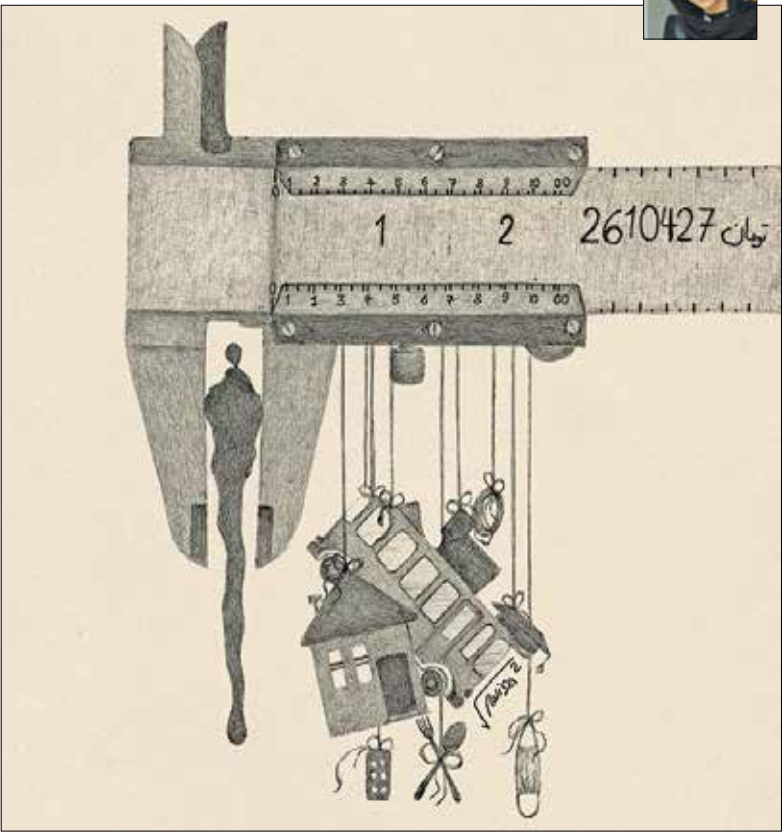
حياة الامام الحسين (ع)، ج ۱ص ۸۱

نگاره

پریسا نور اللهی



زندگی کارگران بدون فرزند با حداقل حقوق تعیین شده



#کرونا

هشتگ

شیوع موج چهارم کرونا در کشور ترس ها و نگرانی ها را بیشتر کرده واین ترس و نگرانی را در نوشته‌های کاربران در شبکه‌های اجتماعی هم می‌بینیم.
به‌خصوص با فرمز شدن وضعیت تهران و چند مرکز استان دیگر بیشتر صحبت‌ها و بحث‌ها در شبکه‌های اجتماعی درباره کرونا و موج چهارمش و نقش مردم و تصمیم گیری‌ها در ایجاد این موج بود: «بالاخره از امروز به وضعیت فرمز کروناپی برگشتیم! اما چیزی که هست اینه که به گفته مسئولان کاربلدمون، حداقل ۶ تا ماه(مهرماه)، هیچ واکسنی در داخل تولید انبوه نداریم. واکسن همه برندهای خارجی پیش فروش شده. اینجا ما میمونیم موج‌های بی در پی کرونا»، «از هر ۵ تا نسخه که میاد چهارتاش کروناپیه بکیش مشکوک



این گرافیک درخاطر موضوع: «دینامی واکسن‌ها فرمزیشی برقرار

به کرونا! وضعیت از فرمز عبور کرده و جگری شده»، «وضعیت تهران فرمز شد، ماه رمضون داره شروع میشه، محدودیت‌های شیانۀ دامه داره بیچاره رستوران‌ها و کافه‌ها دیگه رسماً ورشکست میشن، بیک‌مونوری‌ها، تأمین‌کننده‌های مواد اولیه و کلی آدم دیگه که از این‌راه نون میخورن همین اول ۱۴۰۰ بیکار میشن، حالا کو واکسن؟!»، «الحمدلله تهران هم رفت تو وضعیت فرمز و هیچکس مقصر نیست. خودش خود به خود رفت»، «بازید با این واقعیت مواجه تون کنم که تا مادامی که همه واکسینه نشن توی وضعیت فرمز به سر خواهیم برد»، «تحویل بگیرید: تهران در

وضعیت فرمز است و مسئولان همچنان به جای تصمیم‌گیری و عمل به آنها، التماس می‌کنند. –مسافرت‌های نوروزی –عدم نظارت بر تردد افراد مبتلا در نوروز – شلوغی متروها و اتوبوس‌ها پس از تعطیلات –برگزاری جشن‌های شهرداری با حضور جمعیت زیاد مردم در نوروز...»، «از اینکه درباره موج چهارم کرونا آمادگی میدید خیلی تشکر میکنم. یکسال و اندی هست که تو خیابون راه رفتن هم با استرس شده، یه چکاپ همیشگی پزشکی تنونستیم بریم، مسافرت و باشگاه که اصلاً حرفشو نزن، رستوران و کافه هم ۹۰ درصد بیرون‌بر گرفتیم و باز باید این وضعیتو تحمل کنیم. «لطفا ممنون واقعاً»، «لطفاً لطفاً خواهشاً حالا که رفتید سفر اقلّاً برید یه تست کرونا بدید که اگر ناقل هستید خودتون رو قرنطینه کنید. دیگه فکر کن این از هزینه‌های

سفرته»، «یعنی عید که جاده‌ها رو باز کردین و گتین سفر به شمال و مشهد و شیراز و...آزاده فکر نمی‌کردید بعد از اتمام تعطیلات موج جدیدی از کرونا کشور رو دربرمی گیره؟»، «تهران فرمز شد. در مدت یک هفته، بخش های کرونا از یکی به ۳تا افزایش پیدا کرد»، «مسئولین عزیز مردم خسته‌اند! وقتی حتی کورسوی امیدی برای تزریق واکسن کرونا نیست، چگونه انتظار دارید شهروندان پروتکل‌های بهداشتی را رعایت کنند؟»، «اوضاع کرونا در تهران فرمز شد. اوضاع در بقیه ایران هم بهتر از این نیست. همگی خسته باشید برنامه ریزان محترم»

شهروند

مجازی

بگانه خدایی

برای شکایت استخاره خوب بوده»، «قاضی‌زاده هاشمی ۴ ماه هست تو هیأت نظارت بر نمایندگان هنوز تنونسته تکلیف این موضوع رو روشن کنه و هنوزم میگه باید ابعاد مختلف رو بررسی کنیم؛ حالا همین آدم اومده میگه من برای ریاست جمهوری اصلح هستم»، «داستان اینجوری شد عنایستانی رفت تو خط ویژه سرباز جلوش رو گرفت زد تو گوش سرباز، بعد ناجا گفت شکایت می‌کنیم، نتیجه شد سرباز رفت تو خشکسویی تو گرما، بعد از گذشت چندوقت آنها که از آسیب افتاد عنایستانی رفت از سرباز اکبری شکایت کرد»، «اگر رسیدگی عادلانه به این پرونده معطل بماند، حق به‌دید جامعه بگوید وقتی در چنین موضوع ساده‌ای با این همه شواهد متین و حسابست عمومی خبری از اجرای عدالت نیست، وای به حال رسیدگی به تخلفات و مفاسد بزرگ و پیچیده‌ای که در خفا اتفاق می‌افتند. «نتیجه قضیه عنایستانی و سرباز اکبری آن خواهد شد که دیگر هیچ سربازی درمقابل تخلف هیچ کسی که ممکن است احساس کند دستی در قدرت دارد نخواهد ایستاد.»

ماجرای درگیری نماینده مجلس با یک سرباز پلیس **ماجر ا**
راهور همچنان یکی از موضوعات مهم شبکه‌های اجتماعی است. به‌خصوص پس از اینکه عنایستانی نماینده مجلس، روز یکشنبه اعلام کرد از سرباز پلیس راهور شکایت کرده است. البته دیروز رئیس پلیس راهور ناجا در واکنش اعلام کرد که عنایستانی از سوی دستگاه قضا احضار شده و بزودی کیفرخواستش صادر خواهد شد. این خبرها باعث شد در یکی دو روز گذشته باز هم شاهد نوشته‌هایی درباره این موضوع در شبکه‌های اجتماعی باشیم؛ «برای من یکی نتیجه این کیفرخواست و صدور حکم نهایی خیلی مهمه. راستش امیدوارم اما دلم میخواد ببینم در نهایت اون چیزی که باید بشه میشه یا نه.»، «اینکه در در این ماجرا پلیس راهور کوتاه نیومده و کیفرخواست صادر کردن مایه مسرت. دفاع از نیروی انسانی یک سازمان باید جزو خطوط فرمز یک سازمان باشه»، «برای عذرخواهی از سرباز استخاره بد آمد، اما لابد

عبدالعلی دستغیب: شمس تبریزی به قتل رسیده است

نکته مهم درباره مولوی، ارتباطی است که باشمس داشته. درباره این موضوع خیلی بحث شده ولی این نکته را نگفته‌اند که اینها در خلوت به یکدیگر چه می‌گفتند و مشکل شان چه بوده است. در اینکه شمس تبریزی را اطرافیان مولوی و سلجوقیان می‌کشند، شکی نیست و احترازات دکتر موحد و دیگران در برابر اینکه شمس کشته نشده اشتباه است. شمس در همان قونیه کشته می‌شود؛ و این را که غیبت دوم شمس و رفتن مولوی به دنبال او را دال بر این می‌دانند که اگر مولوی می‌دانست شمس کشته شده به مسافرت نمی‌رفت هم اشتباه است. زیرا از نظر روان‌شناسی مولوی باور نمی‌کرد که نزدیکان و درباریان شمس را بکشند، یعنی قتل شمس را باور نمی‌کرد.

نویسنده و منتقد ادبی درباره ارتباط مولانا و شمس در گفت‌وگو با ایسنا، صحبت‌هایی کرد که مورد توجه قرار گرفت.



راز جذابیت «نون‌خ»

همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، «نون‌خ» با فاصله از دیگر سربال‌های امسال، بهترین سربال نوروز ۱۴۰۰ بود. این مجموعه امتیازهایی دارد که در سه فصلی که روی آنتن رفته، آنها را از دست نداده و حفظ کرده است. لوکیشن‌زبیا، استفاده درست از فضای روستایی و فرهنگ کردی در قصه‌ای که خارج از فضای شهری و آپارتمانی می‌گذرد برگ برنده این سربال است اما این، همه امتیاز «نون‌خ» نیست. «نون‌خ» فیلم‌نامه کم‌ابردی دارد. شخصیت‌هایی متنوع و متعدد که در سه فصل صاحب هویت و شناسنامه شده‌اند. این مجموعه، روابط و مناسباتی را مطرح می‌کند که در عین داستانی شدن، باورپذیر و ایرانی هستند. «نون‌خ» برخلاف «پایتخت» یکی دیگر از سربال‌های موفق یک دهه اخیر که خارج از تهران ساخته شده و بخشی از جذابیتش را از فرهنگ مازنی گرفته است، بر خلاقیت فردی بازیگرانش استوار نیست. اگرچه در «نون‌خ» سعید آفاخانی ستاره سربال است و شخصیت بازی‌اش به مجموعه کمک زیادی کرده اما هر یک از شخصیت‌ها، در جای خود نقشی پیش‌رنده در کلیت قصه و ماجراها دارند.
عموگاووس، سلمان، فربرز، شیرین و حتی عمه‌ها در بافت داستان جای دارند و دیده می‌شوند. مجموعه بازی‌ها یکدست است و این میزان یکدستی در حاصل کار بازگردانی از طیف‌های مختلف گاهی حیرت‌انگیز به نظر می‌رسد. موفقیت «نون‌خ» بدون بازیگران اصلی مجموعه، غیرقابل باور به نظر می‌رسد. شوخی‌های «نون‌خ»

سایه روشن



محدثه واعفی‌پور روزنامه‌نگار

با فوتبال، سیاست و حال و هوای جامعه و جهان که از فصل اول وجود داشت، در فصل سوم هم عاملی برای ایجاد موقعیت کمیک است، موقعیت‌هایی که نه توهین‌آمیز می‌شوند، نه ضد زن هستند و نه رنگ و بوی ابتذال می‌گیرند. از این منظر «نون‌خ» یک طنز خانوادگی و سالم است که بیش از هر چیز به قصه‌گویی و سرگرم کردن بیننده‌ها فکر می‌کند و اگر دقیق باشیم همواره اشاره‌هایی هوشمندانه به اهمیت خانواده، عشق و همدلی اجتماعی دارد. (فصل گرفتاری نورالدین و هم‌ولایتی‌ها در تونل و دلوپسی برای بقیه یا رابطه محبت‌آمیز نورالدین و دخترهایش). «نون‌خ» در سه فصلی که پشت سر گذاشته، محصول نگاه و سلیقه‌ای واحد بوده و برخلاف نمونه‌ای مثل «پایتخت» تغییر و تحول بنیادین را پشت سر نگذاشته است. «نون‌خ» از نزدیک شدن به سیاست و متلک‌پرانی به جناح‌ها و افتادن به دام بعضی موضع‌گیری‌های خاص پرهیز کرده است و این یکی دیگر از عواملی است که ارزش‌های این مجموعه را به‌عنوان اثری سلامت و صادقانه بیشتر می‌کند. «نون‌خ» درباره مردم و برای مردم ساخته شده، شادی‌ها، ترس‌ها و نقاط ضعف و قوت بخش گسترده‌ای از جامعه را روایت می‌کند و تصویری درست از آن ارائه می‌دهد. نورالدین، روستایی‌ماخوذ به حیا و ساده‌دل (نه ابله و نه دغل) در برابر ناملایمات و بحران‌های زندگی‌اش تلاش می‌کند شخصیت، غرور، اعتبار و آبرویش را حفظ کند. این مسائله‌ای است که بسیاری از مردم شریف ایران این روزها با آن دست و پنجه‌نرم می‌کنند. پیروزی نورالدین در پایان هر فصل، حتی اگر موقتی هم باشد این امید را به وجود می‌آورد که عاقبت، نیک اندیشی و رفتار انسانی بر تیرگی‌ها و ناملایمات چیره خواهد شد.



اگر امسال سفر نکرده‌ایم، حتماً «ورق زده‌ایم»!

«تعطیلات را چگونه گذراندید؟» شاید موضوع آشنا هر ساله بعد از تعطیلات در مدرسه چنین بوده. برخی از ما گفتنی‌های بسیار داشتیم و برای برخی چون سفری در کار نبوده، فکر کرده‌ایم چیزی هم برای گفتن نداریم. مثل امسال برای همه مردمان این کره خاکی! با وجود کووید۱۹ صحبت از اینکه چرا عادی به سفر رفت‌اند و عده‌ای به سفر نرفت‌اند نیست! صحبت از این است که باید اصل را بر این بگذاریم که امسال نباید به سفرهای بیرونی می‌رفتیم و نرفته‌ایم! بگذارید داستانی از کودکی‌هایم برایتان بگویم که زندگی‌ام را عوض کرد و در امروزها بیشتر می‌دانم که چگونه می‌شود ساخته شد و سفری حقیقی کرد و ارمغان هم آورد.

انشای معروف تعطیلات به من هم داده شده بود. تعطیلات عید نه تابستان. اما تعطیلات! چه فرقی می‌کند؟ ما نه به سفری رفته بودیم، نه که می‌توانستیم انشایی بنویسم. قلمش را نداشتم. خجالتی بودم و خلاصه دلائل، بسیار! از پدرم خواستم برایم بنویسد. نوشت. «نه سفر به کناره مدیترانه کردم و نه بر بالای اقیانوس اطلس و آتلانتیک پرواز کردم. نه نه لوور رفتم و نه به موزه‌های انگلستان و غارت کرده‌هایش نظر انداختم. به نیویورک رفتم. تبعیض نژادی و کشتار سیاهان را از نزدیک ندیدم. کشتار گاوهای اسپانیا را از نزدیک ندیدم. سفر به نزدیک‌تر هم نکردم. امسال از شهرهای ایران هم دیدن نکردم. اما خواندم! آموختم که می‌توان به جایی سفر نکرد. اما کتاب ورق زد و همه چیز را آنجا دید. می‌توان با سختی‌ها خو گرفت و با گرما انس و الفت... و...» اینها عین کلامی است که پدرم گفت و من عیناً نوشتم. گویی در من خوانده شد.

نمی‌دانم خواندن چقدر برایتان ارزشمند است. به این حساب می‌گذاریم که حائز اهمیت است و آبیاری لحظتات با آن صورت بهتری می‌پذیرد.

انتخاب درست ما همان قدر می‌تواند درست عمل کند که انتخاب نادرست آنچه می‌خوانیم در جهت عکس آن! انتخاب متن نادرست زندان می‌سازد و ما را در درون خودمان زندانی می‌کند. در درون دنیاهایی زندانی می‌کند که نمی‌توانند از ما باشند. قرار نیست آنچه به چاپ می‌رسد خوانده شود. قرار نیست آنچه در شبکه‌های اجتماعی پست می‌شود، خوانده شود.

در اینجا رویکرد ما «ادب» و «ادبیات» است. در این مقوله نمی‌خواهم به تعریف ادب و ادبیات بپردازم. اما یکی از رسالت‌های منونی که برای خواندن بر می‌گزینیم – حال می‌خواهد ثابت باشد یا نظم یا به بیان ارسطو دراما- این است که راه‌هایی را که ندیده‌ایم و ندیده‌ایم یا اشتراکات و تفاوت‌ها با «دیگری» را به ما نشان می‌دهد.

از ادبیات «کمک» بگیریم. بگذاریم که دیگر شوم نه فقط سرگرم! سرگرم شدن گرانبه‌ای است اگر که به ناودم ما نینجامد. شاید باید به کلام مولانا گوش فرا دهیم: «عام بیاید، خاص کنی‌دش خام بیاید، هی بپزیدش...»

نگذاریم کتاب‌ها فقط خوانده شوند. به درون کتاب‌هایی که می‌توانیم از آنها شویم، برویم. برای خود روش زندگی خلق کنیم. ترسیم وبه «چیزی که رامش می‌کنی زان چیز رامت می‌کنم» باور داشته باشیم. خواندن کتاب مناسب، دلاوری و همت می‌طلبد. چندان آسان نیست. اما این سخت، آسان می‌شود هنگامی که بر اندیشه ما اثری می‌گذارد و در ادامه هم خود از آن بهره می‌بریم. هم جامعه کوچک و بزرگ اطراف ما.

در «انشا»‌ها یا متونی که در دست داریم، سفرهای از «این دست» و «آن دست» زیادند. مواجه شدن با بالا و پایین‌های یک تفکر باعث تغییر می‌شوند، هر چند تغییر سخت است و گاه جانفرسا. اما سخت‌هایش جاری خواهند شد و آسان...

پایان می‌برم سخن را با همراهی با سهراب سپهری در این باب که می‌گوید:

...افسانه نمی‌گویم... نیش مار، نوشابه گل به ارمغان می‌آورد...

بیداری‌ات را جادو می‌زند... من انشایم را هرگز در کلاس نخواندم. نویتم نشد! با امید اینکه در اینجا «با هم» خوانده شود!

پیشنهاد



جمال رحمتی کاریکاتوریست

رمان «رومن به روایت پولانسکی» به قلم خود اوست که توسط آزاده اخلاقی ترجمه و نشر چشمه آن را روانه بازار کرده است. این کتاب زندگی بسیار سخت پولانسکی را روایت می‌کند. کسی که اکنون با تلاش فراوان به قله بلند سینما دست یافته است. برای همین خواندن این کتاب می‌تواند برای مخاطب بسیار جذاب باشد. زندگی پولانسکی، فرافراز و نشیب است. پدر و مادرش از یهودی‌های لهستانی بودند که در جنگ جهانی وقتی آلمان به لهستان حمله کرد او هر دورا از دست داد. اول مادرش کشته شد و سپس پدرش را بردند. او با خواهرش تنها به نقطه‌ای رسیده بودند که باید زندگی می‌کردند. پدر او قبلاً از همسایگان غیریهودی خواسته بود او را بزرگ کنند و او چندبار هم مجبور به تغییر محل شد و نهایتاً سروکارش به روستایی کوچک افتاد و طبعاً در این جریانات بی‌سواد باقی ماند. می‌توانم بگویم رد ی این دوران در دو فیلم «پایانست» و «اولیور توئیست» او دیده می‌شود و توصیف او از آن دوران و اشتناک از خلال ذهن یک کودک ۱۱ تا ۱۶ ساله جذاب، واقعی و تکان دهنده است.

پولانسکی در این کتاب سیر تحولات زندگی‌اش را مو به مو توصیف کرده است. او شاگرد خوبی نبود و بیشتر استعداد خود را در زمینه هنری نشان می‌داد. در نوجوانی به بازیگری علاقه‌مند شد. پس از اجرهای رادیویی، کارش به تئاتر رسید. در ۱۷ سالگی به دشواری توانست وارد مدرسه هنرهای تجسمی بوزار کرکوف شود و بعد از یک سال چون شاگرد خوب و حرف گوش کنی نبود، از مدرسه اخراج شد. او علاقه زیادی به سینما داشت و علاقه داشت وارد مدرسه سینمایی لودز شود. اما در آزمون‌های ورودی رد می‌شد. در سال ۱۹۵۴ وارد مدرسه شد و یک دوره ۵ ساله در این مدرسه، اصول سینما و عکاسی را فرا گرفت. به هر حال او با پشتکار فراوان توانست قله‌های ترقی را ببیماید.

به نظرم بهترین تصویر این کتاب زمانی است که با فیلم کوتاهش به جشنواره کن می‌رود آن هم با بی‌پولی تمام. کتاب رومن به روایت پولانسکی روایتی واقعی از زندگی اوست که در سال ۹۹ به چاپ رسید و تاکنون به چاپ پنجم رسیده است.

رومن به روایت پولانسکی

نویسنده: رومن پولانسکی

ترجمه: آزاده اخلاقی نشر چشمه

عکس نوشت

«شما حتی می‌توانید یک شیر در حال غرش را بنشانید و از او عکس بگیرید». این جمله وینستون چرچیل، سیاستمدار بریتانیایی خطاب به یوسف کارلش، عکاس پرتره ارمنی کانادایی است. چرچیل هنگام ثبت عکس از کنار گذشتن سیکار خودداری کرد ولی عکاس پس از آماده شدن به سمت چرچیل رفت، سیکار را از روی دهان او برداشت و با اضطرابی که وجودش را فرا گرفته بود عکس را به ثبت رساند. ایسنا



باید یک بار به خاطر همه چیز گریه کرد. آن قدر که اشک‌ها خشک شوند. باید این تن اندوهگین را جلاند و زد. به چیز دیگری فکر کرد. باید پاها را حرکت داد و همه چیز را از نو شروع کرد.

گریز دلپذیر / آتا گاولدا

مترجم: الهام دارچینیان / نشر: قطره

رسانه‌ها چگونه می‌توانند دوباره مردم را نسبت به بیماری کرونا حساس کنند؟

نیاز به ساختاری روایی و یک برند معتبر داریم

زرتین زردار
استاد علوم ارتباطات اجتماعی و دبیر اجرایی گرسی ارتباطات علم و فناوری یونسکو

نگاه

درباره کاهش حساسیت‌های مردم نسبت به بیماری کرونا و عادی شدن آن این روزها زیاد صحبت می‌شود اما لازم است این واقعیت را بی‌دریم حساسیتی که سال گذشته در جامعه شکل گرفته بود و بالا رفتن سطح ترس و نگرانی و مراقبت، مربوط به دوره شروع یک بیماری و بحران است. نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم افراد بتوانند برای یک باره زمانی طولانی و بیشتر از یک سال تحت پروتکل‌های شدید زندگی کنند و این یک فرایند اجتناب‌ناپذیر است، البته به نظر می‌رسد نه تنها برای مردم که برای همه کسانی که در ماجرای کرونا درگیر هستند این قصه عادی شده است. اکنون در رسانه‌ها تمایل کمتری برای صحبت درباره پروتکل‌های بهداشتی می‌بینیم و حتی در سازمان‌های بهداشتی جهانی و رسانه‌های مربوط به آن هم تنوع موضوع هایی که مورد توجه قرار می‌گیرند زیادت‌ر شده در حالی که سال گذشته همین زمان تمرکز تنها بر کووید ۱۹ بود، در واقع هم تولید کنندگان پیام از تأکید مداوم بر رعایت پروتکل‌ها فاصله گرفته‌اند و هم شهروندان. تمایل به روزمره شدن وعادی شدن زندگی در همه وجود دارد نه فقط مردم. اما نکته مهم این است که می‌دانیم در شرایط عادی بسر نمی‌بریم؛ بسیاری از کشورها موفقیت چشمگیری در واکسیناسیون داشته‌اند و با ملاحظاتنی تلاش می‌کنند شرایط را به وضعیت عادی بازگردانند اما ما هنوز در ابتدای راه هستیم. حالا نوبت رسانه هاست که مانند بسیاری از موقعیت‌های دیگر مسئولیت ایجاد حساسیت دوباره در افکار عمومی را بر عهده بگیرند. خیلی مفید خواهد بود اگر برنامه‌های روزانه‌ای در تلویزیون یا پست‌های ثابتی در رسانه‌های اجتماعی وجود داشته‌باشد که هر روز در آنها یکی از موضوع های مهمی که با مخاطبان درباره‌اش گفت‌وگو می‌شود درباره کرونا باشد.

صحبت کردن درباره کووید۱۹ می‌تواند همه موارد مرتبط با پروتکل‌ها مانند نحوه صحیح استفاده از ماسک، پرهیز از تجمع و شست و شوی دست‌ها را یادآوری کند و با استفاده از سوزنه‌های مختلف و تأکید بر حفظ فاصله فیزیکی به‌صورت ضمنی موضوع کرونا و اهمیتش را برای مردم زنده نگه دارد. سال گذشته و در ابتدای شیوع این بیماری در برنامه‌های روزانه تلویزیون آیتمه‌هایی با این سبک داشتیم و مدتی بعد آنها را کنار گذاشتیم اما حتماً لازم است که این روند دوباره با یک تیم متخصص و حرفه‌ای به رسانه‌های عمومی بازگردد، بخصوص در رسانه‌هایی که در دسترس قشرهایی مانند زنان خانه دار هستند، یعنی تلویزیون یا شبکه اجتماعی ایستگرام، چون با توجه به وضعیتی که در کشورمان داریم همچنان برای مدت طولانی نیازمند زندگی کردن به سبکی متفاوت با پیش از شیوع کووید۱۹ هستیم و لازم است که این مسأله در محتوایی که تولید می‌شود دیده شود. می‌توانیم بگویم مردم اکنون به تلویزیون و اینستاگرام دسترسی بیشتری دارند و این دو رسانه در این شرایط می‌توانند برای ایجاد حساسیت نسبت به رعایت پروتکل‌ها کمک کنند چون بخش زیادی از شهروندان ما کاربر اینستاگرام هستند و تلویزیون می‌بینند؛ کسانی چون زنان خانه دار و مادران که می‌توانند خانواده را هدایت کنند به تلویزیون دسترسی بیشتری دارند و از سوی دیگر شهروندان در اینستاگرام به‌صورت عام حضور دارند، به همین دلیل این شبکه اجتماعی و تلویزیون در این شرایط به یک بستر مساعد برای انتقال پیام‌های مرتبط به کرونا و لزوم رعایت پروتکل‌های بهداشتی تبدیل می‌شود.

پیام‌هایی که می‌خواهیم برای طولانی مدت به مخاطب منتقل کنیم و با او در تماس باشیم لازم است که از کلبیتی برخوردار باشند و نگاهی را به مخاطب منتقل کنند. وقتی قرار است مخاطب برنامه‌ای را بیش از یک سال دنبال کند طبیعتاً ساختار روایی آن برنامه اهمیت پیدا می‌کند؛ در این شرایط استفاده از قالب‌هایی مانند زیرنویس‌های هشدار دهنده دیگر چندان مناسب نیست. زیرنویس‌ها شاید برای اطلاعاتی‌های فوری مفید باشد اما نمی‌تواند در مخاطب احساس پیوستگی و استمرار ایجاد کند که هرروز دوست داشته باشیم با این زیرنویس با ماجرای کووید ۱۹ زندگی کند، چون زیرنویس‌ها مناسب خبرهای فوری هستند و کرونا دیگر خبر فوری نیست و شاید این روش خیلی کارآمد نباشد چون بسیاری از ما عده‌های مرگ و میر روزانه را هم دیگر دقیق چک نمی‌کنیم و وسواس اولیه را نداریم؛ کسی که پیام را به مخاطب منتقل می‌کند هم اهمیت بسیاری دارد، ما به‌عنوان مخاطب باید بتوانیم به او اعتماد کنیم و با او ارتباط برقرار کنیم، به همین دلیل لازم است فردی که پیام‌های مربوط به کرونا و پروتکل‌های بهداشتی را به مردم منتقل می‌کند باید جذابیت داشته باشد؛ ساختار پیامی که در این شرایط به مردم منتقل می‌کنیم باید روایی باشد و قطعاً مهم است که چه کسی پیام را تولید و منتقل می‌کند و نیاز به یک برند معتبر داریم. یک شخصیت و داستانی که ارزش دنبال کردن داشته باشد و دوباره بتواند مردم را به رعایت پروتکل‌های بهداشتی ترغیب کند.

